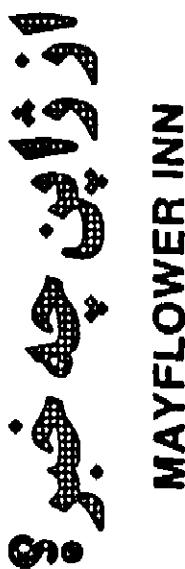
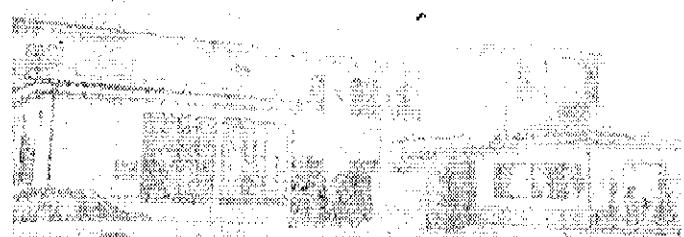


نمی‌توانید کار پیدا کنید حتی "باید ۴۵۰ دلار هم برای کار به یک پاکستانی بول بدید، خلاصه راه افتادند و رفته و خیلی شکر کردند، و منم رفتم سرکار ساعت ۸ طبق قرار رفتم ایستگاه، تا وارد شدم، یکی از آن سه نفر مرا دید و گفت داداش کار پیدا کرد، خیلی ممنون شرایط اینه روزی ۷۵۰۰ بین (تومان)، جا و غذا هم میده گفت، همین الان برد و بعطل نکنید بعد هم وقتی زبان شما خوب شد می‌توانید کار بهتر با حقوق بیشتر پیدا کنید داشتم برمی‌گشتم خونه دیدم ۴ نفر ایرانی دیگه توی خیابون نشستند تا منو دیدند، گفتند آقا شما اینجا زندگی می‌کنید گفتم بله، گفتند ما تازه او مدمی و امتب هم جا نداریم و بیکار هستیم، هتل هم رفتم به ما اطاق ندادند، چیکار کیم، گفتند میشه بیاشیم و امشب رو به ما جا بدید، گفتمن من خودم با دوست و خانم زندگی می‌کنم و در حقیقت و خداوکیلی خودم هم مهمون اونها هستم، معدور هستم، و خیلی با التناس گفتند ما شب رو چیکار کیم، گفتمن راه بیفتید، پشت سر من بساید و بعد از ۱۵ دقیقه پیاده روی گفتمن اینجا سبی ۲۴۰۰ بین از شما می‌گیره و شما می‌تونید تا فردا اینجا بمونید و صبح تو و تصریز اینجا خارج بشید، (اونهارو بردم، به یک سونا، اونها رو هم جا دادم) و پس از یک رور کار و مشغولیت برگشتم خونه و هر روز هم ایرانی است که داره وارد زاین می‌شده، راستی شنیدم تلویزیون گفته که ایرانی‌ها اونجا وضع خوبی ندارند باید بگم من وضع خوبه، و هر کس هم که اینجا مشغول هست فکر نکنم وضع بد باشد دیروز ۲ تابسته برای دوستم رضا رسید، البته بعد از ۴ ماه، چون بسته‌ها دقیقاً اول بهمن پست شده بود، که باید بهشت ایران تبریک گفت که داره به پست زاین هم درس می‌ده جرا که لیاس زمستونی آخر بهار به دست دوستم رسید. راستی یکی از دوستان بعد از ۲ ماه کار، حقوق خودشو به ایران حواله کرد به یکی از شعب بانک (نام بانک محفوظ)، وقتی برادر دوستم در ایران برای تحويل بول به بانک میره، کارمندی که مسئول این کار بوده گفته نصف حواله و نصف دلار، اگه هم در دلار می‌خوای خلاصه... تو خود بخوان... بدنیست با او مدن کارگر ایرانی بهزاین به کارمندان بانک هم بد نمی‌گذره.

تا گزارش بعدی خدا حافظ



MEHDI'S GUEST HOUSE



یکی از دوستانم که خانم را هم به زاین آورده و برادر خانم در یک آپارتمان با هم زندگی می‌کنیم، دیدم سه نا ایرانی زیر پل که قطار از رویش رد می‌شود دراز کشیدند، این پل روی رودخانه‌ای که نزدیک خانه ماست زده شده، از بالا صد اشان کردم و گفتمن ایرانی هستید دیدم بله ایرانی هستند، البته شب قبل هم آنها را دیده بودم که بغل رودخانه و زیرهونون پل داشتند نان و کنسرو می‌خوردند، گفتمن شما همون کسایی هستید که دیشب داشتید اینجا غذا می‌خوردید. گفتند بله، گذتم از طریق کجا؟ گفتند: از طریق شهران، دویی، بانکوک، توکیو گفتمن این دوش را کجا خواهید، گفتند کنار رودخانه، گفتمن من در خانه با دو تا بتور سردم می‌شود شما چطور اینجا خواهید، چرا هتل نمی‌روید، البته سوال بخودی بود، چون به آنها با آن سرو وضع اطاق نمی‌دادند و تازه اگر هم می‌دادند خیلی ارزان هم باشد شی ۲۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ بین (تومان) و اصلاً برای آنها صرف نمی‌کند گفتمن چرا اینجا هستید برد دنیال کار، گفتند که ما زیان لد بیستیم، گفتمن بتوسید، شی کوتوله ای ماس، هاتارایته ای ر رو، یعنی کار هست، ایچی نیجی ای کورا یک روز حقوق چه مقدار، گفتمن اینهم زاپنی برد، و بیخود اینجا نشینید که خوب نیست نفری ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان خرج کردید و خیلی راحت توی این خاکها دارید می‌خوابید، بلند شوید، اگر هم کمک خواستید من تو Station ساعت ۸ شب می‌بینم، گفتند ما منتظر یک دلال پاکستانی هستیم، گفتمن یعنی خودتان دیروز داشتم می‌رفتم سرکارم، منو